



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در روایات مربوط به عول بود که عرض کردیم این اخبار در باب ۶ و ۷ از ابواب موجبات الإرث وسائل الشيعة ذکر شده اند، دیروز چند خبر از باب ۷ را خواندیم البته اخبار باب ۶ که مربوط به عول بود را قبلاً خواندیم و این اخبار باب ۷ نیز مربوط به عول هستند منتهی با بیان دیگری.

در باب ۷ کلاً ۱۸ خبر نقل شده، صاحب وسائل ۸ خبر اول باب ۷ را پشت سر هم از کلینی نقل کرده و از خبر ۹ تا ۱۴ یعنی ۶ خبر را از تهذیب شیخ طوسی نقل کرده و خبر پانزدهم را از عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق نقل کرده و از خبر ۱۶ تا آخر باب یعنی ۳ خبر را از تفسیر مُجَدَّب بن مسعود عیاشی نقل کرده حالا باید ببینیم مُجَدَّب بن مسعود عیاشی کیست که صاحب وسائل از او نقل می کند.

صاحب وسائل ۳۵ هزار حدیث در وسائل نقل کرده و در اول وسائل فرموده من این احادیث را از ۱۵۰ کتاب نقل کرده ام که نصف این کتب در دستم هست و از نصف دیگر مع الواسطه نقل می کنم و یکی از کتابهایی که ایشان از آن نقل کرده همین تفسیر عیاشی می باشد، مُجَدَّب بن مسعود عیاشی از علماء بزرگ تقریباً قرن ششم هفتم بوده، آیت الله العظمی آقای خوئی در معجم رجال حدیث چهار پنج صفحه درباره عیاشی مطلب نوشته، عیاشی از اهل تسنن بوده و بعداً شیعه شده و تمکن مالی بسیار بالائی داشته و کتابخانه بسیار بزرگ و کتابهای زیادی داشته، اخبار او نوعاً از خودش

تا امام مرسل است ولی از آخرین راوی که از امام نقل کرده نقل می کند، در صفحه ۲۲۴ از جلد ۱۷ معجم رجال حدیث چند صفحه در وثاقت و عظمت عیاشی مطلب نوشته شده، آقای خوئی می فرماید طریق شیخ طوسی به عیاشی ضعیف است و طریق شیخ صدوق به عیاشی نیز ضعیف است ولی حدیث او صحیح السند است.

خب و اما خبر ۱۳ از باب ۷ این خبر است: «وباسناد عن عبيدة السلماني، عن أمير المؤمنين عليه السلام حيث سئل عن رجل مات و خلف زوجة وأبوين وابنتيه فقال عليه السلام: صار ثمنها تسعا. أقول: حمله الشيخ على الانكار دون الاخبار، وجوز حمله على التقية لما مضى ويأتي».

سند حدیث: باسناد عیاشی از عبیده السلمانی نقل می کند، آقای خوئی عبیده سلمانی را توثیق می کند. عامه این حدیث را نقل می کنند و می گویند حضرت امیر علیه السلام نیز قائل به عول بوده! در حالی که ما عرض کردیم پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام همگی قائل به بطلان عول هستند منتهی ما عرض می کنیم که سند خبر ضعیف است زیرا عبیده سلمانی خودش در قرن هفتم هشتم بوده و نقل خبر از حضرت امیر علیه السلام واسطه های زیادی می خواهد درحالی که فقط یک واسطه ذکر شده و ما بقیه را نمی دانیم لذا خبر از نظر سند مخدوش است و ما بقیه را نمی دانیم و بعلاوه گفتیم که آقای خوئی فرمودند طریق شیخ طوسی و شیخ صدوق به عیاشی ضعیف می باشد.

از نظر محتوی و مضمون در خبر ذکر شده که شخصی از دنیا رفته در حالی که زوجه و ابوبین و دو دختر دارد که زوجه ثمن یعنی یک هشتم و ابوبین هرکدام سدس

یعنی یک ششم و دو دختر هرکدام ثلثان یعنی دو سوم می برند، خب در اینجا مخرج ۸ و ۶ و ۳ داریم که ۳ و ۶ متداخلان هستند لذا کنار می گذاریم و دو مخرج ۶ و ۸ را در نظر می گیریم که باهم متوافقین هستند و هر دو بر ۲ قابل تقسیم هستند، ۶ را بر ۲ تقسیم می کنیم می شود ۳ و ضرب در ۸ می کنیم می شود ۲۴ یا ۸ را تقسیم ۲ می کنیم می شود ۴ و ضرب در ۶ می کنیم می شود ۲۴، بنابراین فریضه باید به ۲۴ قسمت تقسیم شود، حالا اگر ما باشیم طبق فقه خودمان چهار بیست و چهارم به پدر و چهار بیست و چهارم به مادر می دهیم و سه بیست و چهارم نیز به زوجه می دهیم و بقیه یعنی ۱۳ سهم باقیمانده را به دخترها می دهیم البته کم می آید زیرا اگر عول نبود در واقع دخترها باید ۱۶ سهم می بردند ولی خب قاعده همین است که نقص بر متقرب به أبوین وارد می شود، ما اینطور می گوئیم ولی عامه نقص را بر همه وارد می کنند، آنها مال را به ۲۷ قسمت تقسیم می کنند و طبق تقسیمی که می کنند زوجه سه بیست و هفتم یعنی تسع می برد ولذا صار تسعها ثمنا.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهرین